

نقش شورای انقلاب در تحولات ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۹)

غلامعلی رجایی^۱

جواد نوروزی^۲

چکیده

در بررسی تاریخ معاصر ایران علی‌الخصوص به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، تشکیل شورای انقلاب در اواسط پاییز ۱۳۵۷ را می‌توان نخستین گام در نهادینه کردن نظام جمهوری اسلامی دانست، بررسی ضرورت وجود و عملکرد این نهاد در تحولات ایران با توجه به شرایط حیاتی سال‌های نخستین انقلاب، در حوزه‌های مختلف از جمله قانون‌گذاری، اجرائی، همراهی و هدایت انقلاب اسلامی، در کنار رهبری انقلاب حائز اهمیت و توجه است. از آنجا که با اوج‌گیری نهضت اسلامی برای جلوگیری از حرکت‌های انحرافی با توجه به وجود تشکل‌های سیاسی مختلف، ضرورت وجود مرکزی برای سوق دادن مسیر مبارزه و اداره موقت امور کشور بعد از انقلاب احساس می‌شد، با تدبیر امام خمینی و یاران او این نهاد انقلابی تأسیس شد در این مقاله تلاش

e- mail: gholamalirajae@yahoo.com

۱- استادیار پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

e- mail: norozy1359@gmail.com

شده است که عملکرد بیش از ۱۷ ماهه شورای انقلاب در دوره‌های مختلف آن، از زوایایی جدید مورد پژوهش و کنکاش قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: شورای انقلاب، امام خمینی، رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی، تحولات ایران

مقدمه

جرقه و اندیشه تشکیل شورای انقلاب در زمانی که نهضت به شرایط حساس و نقطه عطف رسیده و حالت انقلابی به خود گرفته بود، توسط رهبران نهضت به‌ویژه امام شکل گرفت تا در بسیج و هدایت نیروهای مردمی و مدیریت و اداره کشور پس از پیروزی انقلاب نقش ایفا کنند و درآستانه پیروزی انقلاب و پس از آن احتمال بحران، آشفتگی و هرج و مرج را به حداقل برسانند. پس از اوج گرفتن مبارزات مردم علیه رژیم شاه در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ وجود مرکزی برای سازماندهی جریان مبارزه و سوق دادن آن در راستای نهضت اسلامی و پیشگیری از حرکت‌های انحرافی ضرورت داشت. رژیم پهلوی که در پی شعله‌ور شدن حرکت‌های انقلاب تا حدودی مستاصل شده بود، سعی می‌کرد که با فعالیت‌هایی به ظاهر آشتی‌جویانه درصدد مهار بحران و کنترل افکار عمومی و منحرف کردن آن به جریان‌های دیگر گام بردارد، که مقابله با چنین اقداماتی مستلزم هدایت، اتحاد و هماهنگی همه نیروهای مبارز معتقد به رهبری امام، توسط مرکزی واحد و وابسته به ایشان بود.

با این اهداف و دوراندیشی‌های کلی، شورای انقلاب با ترکیبی از چهره‌های مکتبی و ملی نهضت و افراد مورد وثوق رهبری نهضت شکل گرفت. این نهاد انقلابی مشورتی و تصمیم‌گیر باید با سرعت عمل و تدبیر انقلابی اوضاع پیش‌رو را کنترل می‌کرد و در فقدان قوه مقننه وظیفه قانون‌گذاری و تهیه و تصویب قانون اساسی نظام جدید، برگزاری رفراندوم نوع نظام، تشکیل دولت موقت و تعیین اعضای آن در جایگاه قائم مقام قوه مجریه، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و اداره سایر امور مملکت در بحران‌های متعدد را برعهده داشت، در کنار آن شورا تکیه‌گاه اصلی و نقش مشاوره‌ای امین را برای رهبری انقلاب ایفا می‌کرد.

عمر ۱۷ ماهه پر فراز و نشیب شورای انقلاب در آغاز پیدایش جمهوری اسلامی ایران، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان، تاریخ‌نویسان، سیاست‌مداران، جامعه‌شناسان و هر کسی که به مطالعه

مسائل ایران علاقه‌مند است می‌باشد. در پژوهش حاضر تلاشی شده است که تاریخچه، اهداف و ساختار شورای انقلاب و عملکرد پربار، پیش و پس از انقلاب این شورا با توجه به منابع تکمیلی و نوین آن تا به امروز مورد بررسی و بازبینی تاریخی قرار گیرد.

تاریخچه، اهداف و ساختار شورای انقلاب

شورای انقلاب نهادی بود که با توجه به نزدیک بودن پیروزی انقلاب و وجود مرکزیتی برای سازماندهی مبارزات مردم، با توجه با ریزنی‌های صورت گرفته و ضرورت‌هایی که حضرت امام در جایگاه رهبری نهضت اسلامی احساس می‌کرد به وجود آمد (قاسم پور ۱۳۸۵: ۱۵). شهید بهشتی در این زمینه می‌گوید:

در پاییز ۱۳۵۷ امکان ملاقات با امام در فرانسه فراهم آمده بود. دوستان مختلف به دیدار ایشان در پاریس می‌رفتند. یکی از مسائلی که ایشان با دوستان مطرح می‌کردند این بود که چه کسانی هستند که می‌توانند در ساماندهی به نیروهای عظیم بسیج شده مردم ایران سهمیم بوده و نقشی داشته باشند و چه کسانی هستند که می‌توانند پس از موفقیت در اداره جامعه مسئولیتی بر عهده بگیرند. برای امام دو مطلب مطرح بود: ۱- کسانی که بتوانند در ایران با حضورشان به همگانی‌تر و گسترده شدن حرکت اجتماعی شتاب بدهند. ۲- کسانی که پس از پیروزی بتوانند در اداره جامعه نقشی به عهده بگیرند. (نظری ۱۳۷۸: ۱۹۹)

بعد از هجرت حضرت امام به پاریس، مبارزان و فعالان سیاسی از داخل کشور و نیز نقاط مختلف جهان به دیدار ایشان می‌رفتند و در این دیدارها بود که امام اداره مبارزات سیاسی داخل کشور و کادرسازی برای آینده نهضت اسلامی را، که دورنمای پیروزی آن روشن بود، با آنان در میان نهاد. تشکیل شورایی که بعدها به شورای انقلاب اسلامی موسوم شد، در این دیدارها مطرح شد (قاسم پور ۱۳۸۵: ۱۶).

امام چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فرمان تشکیل شورای انقلاب را صادر کردند که نامه ایشان به شهید بهشتی در همین رابطه است. به دلیل شرایط اختناق و سرکوب در ایران، تشکیل این شورا

و اعضا و جلسات آن به صورت مخفی بود، اشارات و رموز نامه نیز حاکی از آن است. نامه مذکور در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۷ نوشته شده است، متن نامه بدین شرح است:

پس از اهدای سلام و تحیت، وقت دارد سپری می‌شود و من خوف آن دارم که با عدم معرفی اشخاص، مفسده پیش آید. بنا بود به مجرد آمدن ایشان (م. ط.) شهید مطهری] با اشخاص مورد نظر یکی یکی و جمعی ملاقات کنید و نتیجه را فوراً به این جانب اعلام کنید. و نیز مرقومی که معرف باشد با خط و امضای عدد معلوم بفرستید. من در انتظار هستم و باید عجله شود، و نیز استفسار از بعضی آنها برای مسافرت به خارج. در هر صورت همه موضوعات که به شما و ایشان تذکر داده شد، لازم است با عجله انجام گیرد و اگر اشخاص دیگری نیز پیدا شد ملحق شود. (امام خمینی ۱۳۸۷ ج ۴: ۳۰۷)

نگرانی‌های موجود در لحن امام خمینی در این نامه به خوبی گویای اهمیت بسیار بالای شورای انقلاب در آن مقطع است و بدین ترتیب تشکیل شورای انقلاب به صورت جدی در دستور کار قرار گرفت. امام خمینی علاوه بر شهید مطهری، از دیگر افراد مذهبی نیز کمک و مشورت می‌گرفت. از جمله این افراد مهندس مهدی بازرگان بود که نهضت آزادی ایران را در سال ۱۳۴۰ تأسیس کرده و در آن تشکل به مبارزات سیاسی خود ادامه می‌داد. به دنبال نامه فوق شهید مطهری در آبان ۱۳۵۷ به پاریس رفت و با امام دیدار کرد (قاسم پور ۱۳۸۵: ۱۷-۱۶).

کسی که اندیشه و فکر تأسیس شورای انقلابی را در سر داشت، آیت الله مطهری بود. وی شرایط و فلسفه پیدایش شورای انقلاب را در پاریس خدمت امام و همراهان ایشان مطرح می‌کند که در حال حاضر نهضت در ایران به صورت انقلاب درآمده و حرکت این انقلاب بدون رهبری درست امکان ندارد و امام به علت دور بودن از ایران به تنهایی نمی‌تواند به کارها رسیدگی کند، در نتیجه تصمیم گرفته شد که شورای انقلاب تشکیل شود (ماهنامه ایران فردا ۱۳۷۷: ۱۱). البته طبق عقیده افرادی همچون آقای هاشمی، تشکیل شورای انقلاب امری طبیعی و براساس اندیشه تصمیم‌گیری گروهی و شورایی که ضد استبداد بود مطرح شد.

امام خمینی علی‌رغم علم به اختلافات اندیشه‌ای و تاکتیکی، ملی مذهبی‌ها با آرمان‌ها و باورهای خود در انقلاب اسلامی و همچنین پیوستن دیر هنگام تشکل آنان به نهضت اسلامی به رهبری ایشان، به آنان فرصت حضور در سطوح بالا را اعطا نمود. در جریانات مربوط به شورای انقلاب چه در امر

تصمیمات ابتدایی و چه بعد از آن، ملی مذهبی‌ها و در رأس آنان بازرگان حضور داشتند. دکتر ابراهیم یزدی از دیگر اعضای نهضت آزادی ایران در زمینه دستور امام خمینی به مهندس بازرگان برای عزیمت به پاریس می‌گوید: «مرحوم مطهری با دستورات و برنامه‌های معین از پاریس به ایران برگشتند. سپس پیرو صحبت و درخواست [امام] خمینی، من به ایران زنگ زد و با مرحوم مهندس بازرگان صحبت و دعوت کردم که بیایند پاریس». بدین ترتیب مهندس بازرگان نیز به پاریس رفت (ماهنامه ایران فردا ۱۳۷۷: ۱۱). با توجه به موارد فوق، فکر اولیه تأسیس شورای انقلاب به زمان ورود امام به فرانسه برمی‌گردد که با رفتن افرادی چون شهید بهشتی و شهید مطهری به پاریس، این بحث به طوری جدی‌تر دنبال شد. در نهایت در اعلامیه ۲۲ دی ماه امام، تأسیس شورای انقلاب اسلامی رسماً اعلام شد.

تشکیل شورای انقلاب به این صورت بود که امام پنج نفر را به عنوان هسته اولیه شورا به سرپرستی شهید مطهری تعیین کرد و سایر شخصیت‌های این گروه شهید آیت‌الله بهشتی، شهید باهنر، آیت‌الله موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی بودند به مرور با اضافه شدن آقایان مهدوی کنی، طالقانی و آیت‌الله خامنه‌ای این گروه روحانیت تکمیل‌تر شد و مقرر شد با شناسایی و مطالعه این گروه افراد انقلابی دیگر عضو شوند و تعداد اعضا افزایش یابد و به تدریج مهندس بازرگان، دکتر سحابی و عده دیگری از شخصیت‌های غیرروحانی به عضویت شورا درآمدند. بر پایه نظر اکثریت اعضای شورای انقلاب دوره اول، بیشتر این افراد پس از شناسایی توسط شهید مطهری به صورت مخفیانه به شورا دعوت می‌شدند.

... در جلسات ابتدایی، تصمیم بر این شد که حتی الامکان ترکیب شورا از اعضای

روحانی و غیر روحانی به نسبت مساوی و نزدیک به هم باشد. ترتیب انتخاب اعضای دیگر و تکمیل شورا تا آنجا که حافظه یاری می‌کند و با استمداد از حافظه دیگران چنین بود: پیش از پیروزی انقلاب، آقایان سیدمحمود طالقانی، سید علی خامنه‌ای، مهدوی کنی، احمد صدر، حاج سید جوادی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر بدالله سحابی، مهندس مصطفی کتیرایی، سرلشگر ولی‌الله قرنی، سرتیب علی اصغر مسعودی به اتفاق آرا به عضویت انتخاب شدند. پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت، آقایان بازرگان و سحابی و کتیرایی و حاج سید جوادی و قرنی به دولت و ارتش منتقل شدند و به جای آنها آقایان دکتر حسن حبیبی، مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر عباس شیبانی، ابوالحسن بنی‌صدر و صادق قطب‌زاده انتخاب گردیدند و در مرحله بعد پس از

شهادت استاد مطهری، آقایان مهندس میرحسین موسوی، احمد جلالی و دکتر حبیب‌الله پیمان انتخاب شدند و آقای مسعودی به کار اجرایی رفت... (مقدمه صورت مذاکرات شورای انقلاب ۱۳۷۶: ۳۶۱؛ مسعود رضوی ۱۳۷۶: ۱۴۱).

البته ترکیب اعضای اشاره شده ثابت نبوده و در دوره‌های مختلف فعالیت شورای انقلاب، چه در دوره کوتاه قبل از انقلاب و چه در دوره بیش از یک سال و نیم بعد از انقلاب، از نظر تعداد، اسامی و نوع مدیریت و ریاست آن دستخوش تغییراتی شده است.

چرایی و اهداف تشکیل شورای انقلاب را با توجه به آنکه کمتر به این مسئله پرداخته شده است، می‌توان این‌گونه رمزگشایی کرد؛ زمینه‌های تشکیل شورای انقلاب حوادثی که پس از فاجعه ۱۷ شهریور ۵۷ روی داد نشان داد که تصمیم به کشتار مردم بی‌دفاع در این روز یک انتحار نابودکننده برای رژیم پهلوی بود، از فردای آن روز سیر تحولاتی که به سقوط رژیم انجامید شتابی صدچندان گرفت. در ماه‌های باقیمانده تا بهمن اختلافات درباریان اوج گرفته بود. اختلاف و تمرد به امری عادی در بین ارتش تبدیل شده بود و شاه کم‌کم امید خود را از دست رفته می‌دید. سفر امام به پاریس یک ماه پس از ۱۷ شهریور تحقق یافت و برخلاف پیش‌بینی‌ها، این سفر دست امام را برای هدایت انقلاب باز نمود. فضای پیش آمده در فرانسه باعث شد تا موانع از سر راه ارتباط ایشان با یارانشان برداشته شود. بر خلاف فضای بسته‌ای که صدام برای امام خمینی ایجاد نموده بود، بعد از گذشت مدتی از ورود امام، مسئولان فرانسوی که در ابتدا امام را از فعالیت سیاسی منع کرده بودند، بر اساس سیاست منفعت محور خود، مصلحت را در عدم مقابله با نهضت اسلامی مردم ایران دیدند.

با تقلیل یافتن محدودیت‌ها، رفت و آمد یاران امام به فرانسه، برای تبادل نظر با ایشان و هدایت مؤثر انقلاب آغاز شد. ایده تأسیس نهادی به نام شورای انقلاب از دل همین رفت و آمدها و تبادل نظرها متولد شد. از سوی دیگر بازگشت به وطن، یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی امام بود. رژیم پهلوی که از خطرات بازگشت امام خمینی به وطن آگاه بود تا آنجایی که توانست از بازگشت ایشان جلوگیری کرد. نابسامانی نیروهای انقلاب را تهدید می‌نمود. به ویژه آنکه نبود رابطه میان مردم و امام در ایام مورد بحث، خلاء رهبری اجرایی نهضت اسلامی در کشور را به راحتی نمایان می‌کرد. از همین رو گسترش وحدت نیروهای انقلاب ضروری به نظر می‌رسید. جدای از مطالب فوق اصل مشورت، اصلی مهم در

اسلام و بالتبع اندیشه امام بود. این اصل در فضای انقلابی آن زمان و در نهضتی که بر ضد دیکتاتوری شاه شکل گرفته بود نمودی خاص داشت.

رهبران و مبارزان با توجه به تصویری که از استبداد و حکومت فردی داشتند، مایل به تکرار آن تجربه‌ها نبودند. به همین دلیل، به طور طبیعی باید شورای انقلاب تشکیل می‌شد. یکی دیگر از مواردی که در بحث زمینه‌های تشکیل شورای انقلاب قابل طرح می‌باشد، مسئله مشروعیت و مقبولیت این تصمیم می‌باشد، مردم ایران از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب امام خمینی را به عنوان رهبری نهضت خود برگزیده بودند.

در چنین شرایطی که کشور به سرعت به سوی انقلاب حرکت می‌کرد، رژیم پهلوی برای آرام کردن حرکت‌های اعتراضی، امتیازاتی چون: لایحه انحلال ساواک و تشکیل دولت بختیار که دارای وجهه ملی و سابقه مبارزاتی علیه رژیم شاه را داشت، در دستور کار خود قرار داده بود، در ضمن دولت امریکا نیز با چنین اقداماتی همراهی می‌کرد. امام خمینی اعلامیه معروف خود را درباره تشکیل شورای انقلاب در زمانی که دولت بختیار تشکیل شده بود، قبل از فرار شاه و تشکیل شورای سلطنت در ۲۲ دی ۱۳۵۷ به قرار زیر صادر کرد (سائلی کرده ده ۱۳۸۴: ۳۰-۲۹).

به موجب حق شرعی و بر اساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به این جانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام «شورای انقلاب اسلامی» مرکب از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد. اعضای این شورا در اولین فرصت مناسب معرفی خواهند شد. این شورا موظف به انجام امور معین و مشخصی شده است؛ از آن جمله مأموریت دارد تا شرایط تأسیس دولت انتقالی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و مقدمات اولیه آن را فراهم سازد.... (امام خمینی ۱۳۸۷ ج ۵: ۴۲۶)

اعلام رسمی موجودیت شورای انقلاب از سوی امام، رژیم و رسانه‌های جمعی را به تکاپو انداخت تا از هویت اعضای آن اطلاع پیدا کنند. ولی پنهان کاری درست اعضای شورای انقلاب باعث شد تا نه عوامل رژیم موفق به شناسایی آنان شوند و نه رسانه‌های جمعی اطلاعی از آن به دست بیاورند (قاسم‌پور ۱۳۸۵: ۲۵). روزنامه اطلاعات در مطلبی با عنوان «خبرنگاران تلاش گسترده‌ای برای اطلاع یافتن از اعضای شورا آغاز کرده‌اند» در زمینه اعضای شورای انقلاب می‌نویسد:

صبح امروز روزنامه‌های پاریس کم‌ویش نام‌های مشابهی را از اعضای شورا انتشار داده‌اند که قطب زاده، یزدی، بنی صدر، بازرگان و مدنی از آن جمله هستند، ولی این نام‌ها بیشتر در حد یک شایعه است. (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۷: ۲۵)

مطابق ماده یک اساسنامه شورای انقلاب، هدف کلی از تأسیس شورای انقلاب: پاسداری از ثمرات مبارزات آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه ملت ایران، اجرای اهداف انقلاب و ایجاد حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی در ایران بود (اساسنامه شورای انقلاب بی تا: ۱). امام در ۲۵ دی ۱۳۵۷ در مصاحبه با خبرنگار کانال یک تلویزیون فرانسه می‌گوید:

هدف این است که «شورای انقلاب» یک حکومت موقتی ایجاد کند که آن حکومت موقت، مجلس مؤسسان را تأسیس کند برای تصویب قانون اساسی [برگزاری انتخابات] و بعد بقیه کارها. (حریم امام ۹۳: ۴؛ امام خمینی ۱۳۸۷ ج ۵: ۴۶۷)

بعدها در بخش عملکرد شورا پس از انقلاب اشاره خواهیم کرد که چگونه مجلس مذکور توسط دولت موقت با همکاری شورای انقلاب برای انجام وظیفه فوق به‌وجود آمد.

درواقع می‌توان برای شورای انقلاب سه هدف اصلی ساماندهی انقلاب، وارد آوردن آخرین ضربات به پیکر نیمه جان رژیم پهلوی و کمک به اداره کشور پس از پیروزی و استقرار نظام جدید را در نظر گرفت. می‌توان بخشی از اهداف جزئی‌تر تأسیس شورا را: ارائه تصویری فرهنگی و انسانی از انقلاب در داخل و خارج، کاهش روحیه شاه، ارتش و حامیان خارجی رژیم، تقویت روحیه نیروهای انقلاب، گفتگو با برخی مسئولان رژیم به‌ویژه نظامیان با هدف کاهش هزینه‌های انقلاب و در کنار آن، ایفای نقش رهبری در شرایط اضطراری پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. یکی از اهداف پیش‌بینی شده در تأسیس شورای انقلاب انتقال موقت قدرت از امام به شورای انقلاب در زمانی که ایشان به هر دلیلی قادر به راهبری کشور نباشند بود. این هدف در اساسنامه شورای انقلاب ذکر شده است، در ماده هفت این اساسنامه تصریح شده است:

در صورت عدم امکان دسترسی به امام خمینی به علتی از قبیل مسافرت بیماری فوت و...، شورای انقلاب دارای همان اختیاراتی خواهد بود که امام خمینی دارا می‌باشد. (اساسنامه شورای انقلاب: ماده هفت)

در کنار همه انگیزه‌ها و اهداف، البته هدف رسمی شورا را باید معرفی افراد شایسته برای برعهده گرفتن مسئولیت در حکومت اسلامی و فراهم آوردن زمینه‌های قانونی به روی کار آمدن دولت موقت به شمار آورد.

عملکرد شورای انقلاب، قبل از انقلاب (آبان ۱۳۵۷ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)

در مورد نحوه فعالیت شورای انقلاب پیش از پیروزی، که عملکرد شورای انقلاب در دوره اول محسوب می‌شود، به علت شرایط خاص قبل از انقلاب اطلاعات زیادی در دسترس نیست. آقای هاشمی رفسنجانی در این زمینه می‌گوید:

قبل از پیروزی انقلاب به خاطر مسائل امنیتی، شورای انقلاب کاملاً سری بود و رژیم تا پایان عمرش نتوانست چیزی از آن شناسایی کند و به همین جهت صورت جلسه تهیه نمی‌شد و هیچ‌گونه اثر قابل استناد به‌جای نمی‌گذاشتیم. (رضوی ۱۳۷۶: ۵۱۲)

پس از تشکیل شورای انقلاب تا مدتی اسامی اعضای آن اعلام نگردید. حتی نزدیکان انقلابیون هم از چند و چون این شورا بی‌اطلاع بودند و به طور پراکنده اسامی اعضای آن را می‌شنیدند و همین امر باعث شایعاتی شده بود. شورای انقلاب از ابتدای تشکیل، هفته‌ای یک بار و بعدها دو بار به طور نامنظم، غیرمنضبط و مخفیانه در محل‌های مختلف که معمولاً منزل اعضای شورا بود در فضایی صمیمی تشکیل می‌گردید (بازرگان ۱۳۶۰: ۲۵).

اقدامات شورای انقلاب را در این دوره می‌توان به چند دسته تقسیم‌بندی کرد: نخست فعالیت‌های که شورای انقلاب در جهت هدایت و رهبری حرکت انقلابی مردم انجام می‌داد که شامل موارد زیر است:

۱- راه اندازی صنعت نفت: با توجه به اینکه در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی دست اندرکاران صنایع نفت با اعتصابات پیوسته بودند و اقتصاد کشور دچار چالش شده بود، این شورای انقلاب بود که وارد صحنه شد. آقای هاشمی رفسنجانی در این مورد می‌گوید:

سوخت مردم، مسئله جدی شد و مشکلاتی پیش آورد اعتصابات شرکت نفت در فصل زمستان، تأمین سوخت داخلی را مختل کرد و مردم را تحت فشار قرار داد و رژیم هم آماده بهره‌برداری از آن بود... صف‌های طولانی مردم در انتظار تهیه نفت گاهی به یک کیلومتر می‌رسید. دقیق به خاطر ندارم که پیشنهاد حل این مشکل به

چه ترتیب بود. به‌هرحال همان وقت کمیته اعتصابات فعال بود که بیشتر مربوط به شورای انقلاب بود. (هاشمی رفسنجانی ۱۳۷۶: ۳۲۲)

با توجه به این مشکل، امام در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۸ با ارسال نامه‌ای به مهندس بازرگان، وی را به عنوان مأمور نظارت بر تولید و صدور نفت منصوب کرد و در راستای آن هیأت نظارت بر تولید و صدور نفت با مشارکت پنج نفر از اعضای شورای انقلاب تشکیل شد و این هیأت توانست مأموریت خود را با موفقیت پشت سر گذارد و نشان داد که شورای انقلاب می‌تواند کنترل همه ارکان کشور و نبض اقتصادی آن را بر عهده بگیرد (سائلی کرده ده ۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۳۵).

۲- مدیریت اعتصابات و راهپیمایی‌ها: در راستای مدیریت موج جدید اعتصابات که از نیمه دوم شهریور ۵۷ آغاز شده بود. بنا به اهمیت کنترل این حرکت‌های اعتراضی در مسیر پیروزی، امام در تاریخ ۵۷/۱۰/۲۸ با ارسال پیامی به دکتر یدالله سبحانی مأموریت داد، که کمیته تقویت و تنظیم اعتصابات با همکاری پنج نفر تشکیل دهند. نیمی از اعضای این هیأت عضو شورای انقلاب بودند در این مأموریت نیز که رهبری اصلی آن را شورای انقلاب بر عهده داشت، به شایستگی عمل شد. اوج این مدیریت راهپیمایی‌ها که نشانگر توانمندی شورای انقلاب بود، راهپیمایی میلیونی تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ بود (سائلی کرده ده ۱۳۸۴: ۱۴۶-۱۴۳).

دسته دوم فعالیت‌های شورای انقلاب در دوره اول آن، اقداماتی بود که به منظور تسهیل و رفع موانع پیروزی انقلاب صورت می‌گرفت، که شامل موارد زیر است:

۱- نزدیکی و رابطه شورای انقلاب با دولت شاپور بختیار: در اوایل بهمن ۵۷ آقای مهدی بازرگان در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام نمود که درباره مسائل آینده کشور، مذاکراتی غیررسمی و دوستانه‌ای بین دولت بختیار و شخصیت‌های جناح مخالف که می‌توانند بالقوه از اعضای شورای انقلاب باشند صورت گرفت (روزنامه کیهان ۱۳۵۷/۱۱/۴: ۳) به موجب گزارش مهندس بازرگان، بختیار سه پیشنهاد به شورای انقلاب ارائه کرد و اعلام کرد که اگر این خواسته‌ها پذیرفته نشوند، وضع وخیم است، چپی‌ها نفوذ دارند و مملکت نابود می‌گردد (ایران فردا ۱۳۷۸: ۲۳).

پس از گزارش پیشنهادها بختیار به امام که شامل: تأخیر دو ماهه در بازگشت امام به ایران، دادن اداره چند وزارتخانه به شورای انقلاب و پذیرش نظارت شورای انقلاب بر دولت بود. امام همه آن پیشنهادها را رد کرد.

دلیل رد این پیشنهادها هم روشن بود، چون بختیار برای تحکیم موقعیت خود به زمان نیاز داشت و هر تلاشی را می‌کرد که برای تأمین این موقعیت، امتیازاتی به شورای انقلاب بدهد. پس از تماس‌ها و مذاکراتی که بعدها بین شورای انقلاب و دولت بختیار انجام گرفت و با توجه به لغو شورای سلطنت و لزوم تعیین نظام حکومتی جدید، قرار بر این شد که بختیار به پاریس برود و در خدمت امام استعفا بدهد تا مجدداً از طرف امام به‌طور موقت تا تعیین حکومت جدید به کار خود ادامه دهد. امام ساعاتی پیش از آن که بختیار به پاریس سفر کند در بیانیه‌ای اعلام کرد که بختیار را قبل از استعفا، نخواهد پذیرفت و در نتیجه سفر بختیار برای ملاقات با امام منتفی شد (سائلی کرده‌ده ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۴۸).

بنابراین می‌توان موضوعات اصلی مذاکرات شورای انقلاب با بختیار را چنین عنوان کرد: متقاعد کردن بختیار به استعفا از نخست‌وزیری و همبستگی با انقلاب اسلامی، جلوگیری از خونریزی و کشتار مردم، بازگشت امام به کشور و تأمین امنیت جانی وی و اطرافیانش، بررسی راه‌های مسالمت‌آمیز انتقال قدرت، برگزاری انتخابات و همه‌پرسی، اعتبار قانون اساسی مشروطیت، آینده حکومت ایران و مسافرت به پاریس به منظور ملاقات با امام.

۲- رابطه شورای انقلاب با ارتش: هدف شورای انقلاب از ایجاد رابطه با ارتش، به حداقل رساندن تلفات جانی و مالی پیروزی انقلاب و انتقال قدرت بود. اولین تماس جدی شورا با فرماندهان نظامی و ارتش به منظور راهپیمای‌ها تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ در آذرماه بود. مذاکرات زیادی در این ارتباط با بختیار، قره‌باغی و دیگر نیروهای نظامی و امنیتی صورت گرفت (سائلی کرده‌ده ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۵۱). در یکی از این دیدارها، قرار دیدار ژنرال قره‌باغی رئیس ستاد ارتش وقت با اعضای شورای انقلاب بود. شهید بهشتی در این باره می‌گوید:

روزی قره‌باغی و چند نفر از کارگردانان ارتش گفتند که می‌خواهیم با اعضای شورای انقلاب مذاکره کنیم. این موضوع در شورا بحث شد و اعضا ضمن توافق، مرا به عنوان طرف مذاکره کننده مأمور کردند. موضوع را با امام مطرح کردیم ایشان نیز تایید کردند. قرار بود دیدار در منزل من باشد ولی یک روز مانده به قرار، امرای ارتش آن را لغو کردند، با این بهانه که ما در منزل شما امنیت نداریم ولی دو سه روز

بعد، ژنرال مقدم به منزل من آمد. مهندس بازرگان هم بود و مذاکره حول و حوش ارتش و انقلاب صورت گرفت. (نظری ۱۳۷۸: ۱۷)

در دی ماه ۵۷ مذاکرات حقوق بشر ایران و شورای انقلاب با امریکایی‌ها و ارتشی‌ها که به منظور تسهیل و تسریع خروج شاه و خودداری ارتش از حمله و آزار مردم شروع شده بود، ادامه یافت (بازرگان ۱۳۶۰: ۱۸) ارتش که خود را تابع و حامی دولت بختیار می‌دانست، پس از استعفای ریاست شورای سلطنت، وخامت اوضاع و استدلال‌های قوی نمایندگان امام در شورای انقلاب، به تدریج عقب‌نشینی کرد، امام نیز این روال و مذاکرات را مثبت و مفید می‌دانست (سائلی کرده‌ده ۱۳۸۴: ۱۵۸-۱۵۶).

۳- مذاکرات شورای انقلاب با مقامات غربی و امریکایی: در کنار مذاکراتی که اشاره شد، تماس و مذاکره با مقامات امریکایی و برخی کشورهای غربی در جریان بود. در واقع این ارتباط در کنار دو رابطه قبلی، سه ضلع مثلث ارتباط با شورای انقلاب را تشکیل می‌داد، البته امریکا تلاش می‌کرد که محوریت این مذاکرات سه گانه را داشته باشد و در رأس این مثلث قرار گیرد، اما در عمل نتوانست به این مهم دست یابد. ابراهیم یزدی در کتاب خود بیان می‌کند که بین اعضای شورای انقلاب و مقامات امریکایی و اروپایی، تماس‌ها و مذاکراتی پیش از پیروزی انقلاب وجود داشته است، اما بسیار کلی و سر بسته به این مسئله می‌پردازد و بحث درباره جزئیات را به وقت دیگری موکول می‌کند (یزدی ۱۳۶۳: ۱۹۷).

در این مذاکرات نیروهای شورای انقلاب، توانستند تا حدودی نظرات خود را به امریکا بقبولانند، به همین دلیل مقامات امریکایی شاه را کنار گذاشته و بیشتر به مذاکره با رهبران انقلابی که از اعضای شورای انقلاب بودند پرداختند. نتیجه این مذاکرات را می‌توان از عوامل پذیرش حاکمیت بین المللی انقلاب اسلامی ایران به‌شمار آورد. چرا مقامات امریکایی از جمله سولیوان سفیر امریکا تصمیم به مذاکره و تماس با شورای انقلاب گرفتند. در این باره می‌توان گفت که در بین این مقامات در گرایش عمده برای برخورد با انقلاب و حل بحران ایران وجود داشت. گرایش نخست معتقد به سرکوب و برخورد قهرآمیز و حتی کودتا علیه انقلاب و مردم بود. شورای امنیت ملی امریکا و سازمان سیا، طرفداران این گرایش بود.

گرایش دوم برخلاف جریان اول، مخالف سرکوب و استفاده از روش خشونت‌آمیز بود و این روش مقابله را موجب تشدید و گسترش مبارزات و به خطر انداختن منافع امریکا می‌دانست. و این جریان، خواستار گفتگو و مذاکره بود. وزارت امور خارجه امریکا دارای چنین گرایشی بود و قصد

داشت از طریق مذاکرات، خود را در مقابل ایران ذی‌نفع و دارای نفوذ نگاه دارد و به تدریج که انقلاب به اوج خود رسید با همراهی مردم و حاکمیت جدید، منافع حیاتی خود را در نظام سیاسی آینده ایران حفظ کند (سائلی کرده ده ۱۳۸۴: ۱۶۲-۱۵۹).

۴- تشکیل دولت موقت: یکی از آخرین اقدامات شورای انقلاب در دوره اول را می‌توان سازماندهی مراسم استقبال ورود تاریخی امام به میهن در ۱۲ بهمن ۵۷ برشمرد. پس از بازگشت امام، تشکیل دولت موقت همان‌گونه که اشاره شد، به عنوان یکی از اهداف عمده شورا، حساسیت ویژه‌ای داشت. تأسیس دولت موقت یا دولت انتقالی به منظور گذر از نظام قبلی سلطنتی به نظام سیاسی، جدید و تأسیس نهادها و تشکیلات سیاسی حکومت اسلامی جدید بود. امام در فرمان خود جهت تشکیل شورای انقلاب و سایر نامه‌ها و مصاحبه‌ها در این مقطع زمانی با تأکید فراوان از شورای انقلاب می‌خواستند که نهادهای رسمی را پایه‌ریزی نمایند. در نتیجه به طور طبیعی بحث‌هایی چون تشکیل دولت موقت، ایجاد مجلس مؤسسان و خبرگان تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس مطرح می‌شد. به دنبال همین بحث‌ها و گفتگوها، شورای انقلاب در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ مهندس مهدی بازرگان دبیرکل نهضت آزادی را به نخست‌وزیری پیشنهاد کرد.

بنابه نقل در برخی منابع، انتخاب بزرگان به ریاست دولت موقت در یک جلسه شورای انقلاب (در حضور امام) و از سوی شهید مطهری مطرح شد. آیت‌الله طالقانی که در جلسه حضور داشت، بازرگان را از قبول آن سمت بر حذر داشت و بازرگان ۲۴ ساعت فرصت خواست (برزین ۱۳۷۴: ۲۶۷). آقای هاشمی رفسنجانی در مورد این انتخاب می‌گوید:

همه ما به این نتیجه رسیده بودیم که در زمینه تشکیل دولت از نیروهای نهضت آزادی استفاده بشود که طبعاً آنها از نیروهای جبهه ملی هم استفاده می‌کردند نیروی دیگری نبود مگر نیروهایی مثل منافقین که به هیچ وجه مورد اعتماد نبودند، هنوز بنا نبود که روحانیت در کارهای اجرایی دخالت کند این یک اصل پذیرفته شده غیرمکتوب بود. براین اساس گفتیم ما به عنوان مجلس کار می‌کنیم و اجرائیات را به غیرروحانی می‌سپاریم. بگذریم که تجربه و آمادگی کافی هم برای اجرائیات نداشتیم. (دوران مبارزه ۱۳۷۶: ۳۳۴)

بنابراین نخستین دولتی که امام تعیین کرد؛ در روز ۱۵ بهمن در محل اقامت ایشان یعنی مدرسه علوی معرفی شد. امام اولین مأموریت‌های دولت را تشکیل کابینه به‌منظور سازمان بخشیدن به اداره امور مملکت، اجرای رفراندوم، تعیین نظام سیاسی، تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی نظام جدید و برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی تعیین کرد. هر چند شاهد هستیم که رابطه شورای انقلاب و دولت موقت، در عمر ۹ ماهه دولت موقت، به علت دوگانگی حاکمیت و مراکز تصمیم‌گیر، با اختلافات و تنش‌های زیادی همراه است.

عملکرد شورای انقلاب، بعد از انقلاب (۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۲۶ مرداد ۱۳۵۹)

شورای انقلاب در شرایطی کار را به‌عهده گرفت که هیچ ارگان قابل اعتمادی در این کشور وسیع و تازه از زیر بار اعتصابات ۶ ماهه و کمبودهایی که از این اعتصابات درآمده بود، وجود نداشت... همه چیز را بایست از صفر شروع می‌کردیم. از تأسیس دولت گرفته تا موارد دیگر... پلیس نبود، اسلحه‌ها غارت شده بود؛ طبعاً امنیت تهدید می‌شد. کمیته‌های خودجوش به‌وجود آمده بود که هیچ‌گونه نظمی نداشت... کارخانه‌ها تعطیل بود... انبارها خالی بود نفت به کلی شش ماه یا چند ماه تعطیل بود. خوب، روابط خارجی به هم خورده بود... شورای انقلاب بایست به همه اینها برسد... شورای انقلاب موفق شد دولت موقتی را تشکیل بدهد و به کشور یک نظم ابتدائی بدهد، امنیت را تأمین بکند... در عین حال حرکت بکند به طرف ایجاد نهادهای دموکراتیک کشور؛ قانون اساسی را تنظیم بکند، مجلس خبرگان را تشکیل دهد، انتخابات ریاست جمهوری را، انتخاب مجلس را انجام بدهد... قانون بنویسد و تصویب کند... (صورت مذاکرات شورای انقلاب ۱۳۵۸/۴/۲۰؛ مسعود رضوی ۱۳۷۶: ۲۲۳-۲۲۲)

بعد از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شورای انقلاب و دولت موقت تحت لوای رهبری امام و مشروعیت حاصله از حمایت‌های مردمی، زمام امور را به دست گرفتند. عملکرد شورای انقلاب را در این مقطع می‌توان به دو دوره زمانی تقسیم کرد: دوره اول از شروع انقلاب تا سقوط دولت موقت را در برمی‌گیرد یعنی از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۱۵ آبان ۵۸ و دوره دوم پس از دولت موقت تا پایان کار شورای انقلاب را در برمی‌گیرد، یعنی فاصله زمانی ۱۵ آبان ۵۸ تا ۲۶ مرداد ۵۹ را شامل می‌شود. در این دو دوره، شاهد تغییرات جزئی در اعضای شورای انقلاب و رفت‌وآمدهایی هستیم که پرداختن

به جزئیات این مسئله، خارج از اهداف این مقاله است. با توجه به عملکرد شورای انقلاب، پیش از انقلاب که در بالا، با عنوان شورای انقلاب دوره اول از آن یاد شد. این دو دوره اخیر بعد از انقلاب این شورا، با نام عملکرد شورای انقلاب در دوره دوم و عملکرد شورای انقلاب در دوره سوم از آن یاد می‌کنیم.

عملکرد شورای انقلاب در دوره دوم

از مهم‌ترین اقدامات این دوره می‌توان، نخست به تشکیل کمیته موقت انقلاب اسلامی با اهدافی چون ایجاد نظم و امنیت، دفاع از انقلاب، مقابله با ضدانقلاب و دستگیری عوامل وابسته به رژیم پهلوی دانست؛ دومین تصمیم مهم شورا در این دوره، تعیین نوع نظام سیاسی ایران، از طریق برگزاری همه‌پرسی بود. برنامه‌ریزی و تصویب قوانین مربوط به این فرآیند بر عهده شورای انقلاب بود، این انتخابات به دلیل تعیین شکل نظام سیاسی ایران و هم به عنوان اولین انتخابات بی‌واسطه و عمومی پس از انقلاب، از اهمیت شایانی برخوردار است (سائلی کرده‌ده ۱۳۸۴: ۱۷۲).

تصمیم دیگر اساسی شورای انقلاب تهیه قانون اساسی جدید بود که با توجه به اشارات سه پیام تاریخی امام در دوران تشکیل شورای انقلاب، تعیین دولت موقت و سخنرانی ۱۲ بهمن ۵۷ در بهشت زهرا، تدوین آن به مردم وعده داده شده بود. تهیه قانون اساسی به ترتیب مراحل سه‌گانه‌ای را پشت سر گذاشت. در ابتدا مجلس مؤسسان قانون اساسی، وظیفه تدوین و تصویب پیش‌نویس قانون اساسی را برعهده گرفت که از قبل این مجلس، توسط دولت موقت با همکاری و مشارکت اعضای شورای انقلاب به‌وجود آمده بود. مرحله دوم این فرآیند، برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی به منظور بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی بود. انتخابات مذکور در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ با انتخاب ۷۳ نماینده انجام گرفت. در مرحله سوم پس از بررسی مجلس خبرگان، وزارت کشور قانون اساسی را به فرآیند دوم گذاشت، همه‌پرسی قانون اساسی در ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ با مشارکت ۷۹ درصدی مردم برگزار شد و نزدیک ۹۹/۵ درصد مردم بدان رأی مثبت دادند. در برگزاری این همه‌پرسی شورای انقلاب نقش اصلی را داشت؛ چون در این زمان دولت موقت استعفا داده بود و دولت جایگزین نیز انتخاب نشده بود. شورا در این مقطع زمانی هم وظیفه قانون‌گذاری و هم وظیفه اجرائی را توأمان بر عهده گرفت (سائلی کرده‌ده ۱۳۸۴: ۱۸۸-۱۷۶).

از دیگر اقدامات شورای انقلاب در اوایل این دوره: تصویب اساسنامه نظارت بر سپاه پاسداران در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸، برای رسمیت دادن به این نهاد انقلابی و تصویب تشکیل چندین نهاد انقلابی دیگر، تعیین نماینده در وزارتخانه‌های کلیدی و مهم، ملی شدن بانک‌ها، سازماندهی دادگاه‌های انقلاب، تصویب شوراهای محلی، تصویب ملی شدن صنایع بزرگ، تصویب آیین‌نامه مجلس خبرگان و حل بحران‌های موجود از جمله بحران گروهک‌های قومی ضدانقلاب و تجزیه طلب در کردستان و سایر مناطق مختلف کشور می‌توان اشاره کرد.

عملکرد شورای انقلاب در دوره سوم

در این دوره در پی بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و استعفای دولت موقت آغاز شد. پس از ادغام دولت در شورای انقلاب، در اداره مملکت و ترکیب اعضای شورای انقلاب تغییرات گسترده‌ای به وجود آمد (رضوی ۱۳۷۶: ۲۴۳). در این برهه، شورای انقلاب بیانیه مهمی صادر کرد و یادآور شد مصمم است در فرصت محدودی همان‌گونه که اشاره شد، در این دوره همه‌پرسی قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی و... را به انجام برساند و به دنبال آن با تشکیل کابینه موقت شورای انقلاب و انتخاب ۱۸ وزیر جدید، تقسیم کار تازه‌ای برای اداره امور کشور شکل گرفت و بدین ترتیب شورای انقلاب توانست برخلاء سیاسی موجود فایق آید (سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۶).

بنابراین در دوره سوم شورای انقلاب، اقداماتی چون: برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی در آذر ۵۸، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در بهمن ۵۸، برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۵۸ و شروع به کار آن در خرداد ۵۹، اعلام انقلاب فرهنگی در اردیبهشت ۵۹، و تشکیل دولت شهید رجایی در مرداد ماه ۵۹ بود. که همه این مأموریت‌ها، با تلاش خستگی‌ناپذیر شورای انقلاب انجام گرفت.

پایان کار شورای انقلاب

چنانکه اشاره شد پس از استعفای دولت موقت، با توجه به خلاء ایجاد شده، شورای انقلاب بیشتر مسئولیت اداره کشور و تعیین تکلیف انتخابات ریاست جمهوری را برعهده گرفت، پس از کلید

خوردن انتخابات، ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس جمور ایران برگزیده شد. او از نظر گرایش سیاسی به جریان فکری لیبرال نزدیک بود، در نتیجه بار دیگر میان شورای انقلاب غالباً مکتبی و دولت جدید تنش ایجاد شد. پس از یک دوره کش‌وقوس، با انتخاب بنی‌صدر به‌عنوان دبیر شورای انقلاب، تنش میان شورا و دولت بنی‌صدر تا حدودی کاهش یافت. پس از این جریان‌ها، در نهایت با تأسیس مجلس شورای اسلامی و شروع به کار آن، کارکرد قانون‌گذاری شورا نیز حذف شد. در کنار آن شورای نگهبان هم به‌عنوان یک نهاد نظارتی، شروع به کار کرد. با توجه به وجود نهادهای فوق، فلسفه وجودی شورای انقلاب از بین رفت و عملاً این شورا منحل شد. لذا در ۱۲ تیر ۱۳۵۹ آیت‌الله بهشتی اعلام کرد: «مسئولیت شورای انقلاب دو هفته دیگر پایان می‌یابد» (روزنامه کیهان ۵۹/۴/۱۲). سپس آخرین جلسه شورا در ۲۶ تیر ۱۳۵۹ برگزار شد. دکتر حسن حبیبی سخنگوی شورای انقلاب، در آخرین مصاحبه خود گفت:

امروز با رسمیت یافتن مجلس شورای اسلامی و کامل شدن اعضای شورای نگهبان قانون اساسی، کار شورای انقلاب که تاکنون وظیفه قانون‌گذاری را برعهده داشت نیز به پایان رسید. (حریم امام ۹۳: ۱۲)

آخرین اعضای شورا عبارت بودند از: آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله منتظری، دکتر محمدجواد باهنر، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، دکتر حسن حبیبی، دکتر ابراهیم یزدی، دکتر عباس شیبانی، مهندس مهدی بازرگان، مهندس عزت‌الله سحابی، صادق قطب‌زاده، مهندس علی اکبر معین فر و دکتر ابوالحسن بنی‌صدر.

نتیجه‌گیری

بی‌شک شورای انقلاب اسلامی، مهم‌ترین نهاد انقلابی تصمیم‌گیری بود که هسته اولیه پیدایش آن در پاییز ۱۳۵۷ شکل گرفت و به تدریج در سلسله مراتب قدرت انقلاب، پس از رهبری، تعیین‌کننده خط مشی کشور در ماه‌های پایانی عمر رژیم پهلوی بود و این نقش را تا سالیانی پس از انقلاب نیز حفظ نمود. اهمیت جایگاه و تصمیم‌های این شورا تا اندازه‌ای بود که پس از انقلاب نیز تا پیش از تشکیل پارلمان قانون‌گذار، در نقش مجلس و قوه مقننه ایفای نقش نمود و حتی نخستین دولت پس از انقلاب نیز با پیشنهاد شورای انقلاب پدید آمد. علاوه بر آن شورا، مدت چند ماهی در کسوت نقش قوه

مجریه ظاهر گردید. در ارزیابی عملکرد شورا با توجه به جایگاه شورای انقلاب در ساختار قدرت در دوره پیش از انقلاب مهم‌ترین مأموریت‌هایی که شورا انجام داد عبارت بود از: مذاکرات با مقامات ارتش و نیروهای مسلح حکومت پهلوی، دیدارهای دیپلماتیک با وابستگان سفارت‌خانه‌های خارجی و به طور خاص امریکا، تشکیل و نظارت بر عملکرد کمیته‌های فعالی چون کمیته سوخت و صدور نفت و کمیته مدیریت اعتصابات و راهپیمایی‌ها، تلاش برای ترتیب دادن مسافرت بختیار به پاریس برای ملاقات با امام خمینی و از همه مهم‌تر، انتخاب رئیس دولت موقت بود.

در دوره پس از انقلاب، شورا در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضائی ورود پیدا کرد. در حوزه اقتصادی، در راه تعدیل نابرابری اقتصادی و نزدیک شدن به ایجاد عدالت اجتماعی، شورا ۶۰ مصوبه را به تصویب رساند که نتیجه نهایی آن مصوبات تضعیف شدید بخش خصوصی و گسترش و تقویت اقتصاد دولتی بود، براین اساس، نسبت به قبل از انقلاب بخش دولتی در اقتصاد نقش پررنگ‌تری را ایفا می‌کرد. در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی - فرهنگی، شورا به دنبال آن بود تا ضمن مباحث زیاد در خصوص ساختار سیاسی و چگونگی اداره آینده کشور، زمینه استقرار نهادهای قانونی را با کمک دولت موقت فراهم نماید. زمینه‌سازی برای اجرای رفراندوم نوع نظام سیاسی ایران، تلاش چند مرحله‌ای برای تدوین قانون اساسی، بسترسازی برای برگزاری نخستین انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های سیاسی بود که شورای انقلاب در معیت دولت موقت و پس از آن دولت بنی‌صدر و در خلاء قدرت میان آن دو نسبت به انجام آنها اهتمام ورزید. در حوزه اجتماعی و فرهنگی، شورا در جهت ایجاد امنیت و کنترل بحران‌های قومی در مناطق مختلف کشور، افزایش رفاه اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی، سر و سامان دادن به وضعیت آموزش و پرورش و ایجاد انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، شورا یکی از ارکان اصلی تصمیم‌گیری بود. در حوزه قضائی هم شورای انقلاب تلاش‌هایی را جهت تعدیل فعالیت‌های دادگاه‌های انقلاب، انتشار اعلامیه در توقف فعالیت این دادگاه‌ها و انجام اصلاحات قضائی، ارائه و تصویب لایحه عفو عمومی در تیر ماه ۱۳۵۸ و لایحه تغییرات در تشکیلات قضائی کشور انجام داد.

در مجموع، با توجه به فعالیت‌ها و نقش‌های متنوع و متعدد این نهاد مردمی انقلابی و حضور آن در وقایع مهم و تأثیرگذار، در دوره نهضت اسلامی و سال‌های ابتدائی پیروزی انقلاب چنین برمی‌آید. با

وجود تمامی کم و کاستی‌ها، توطئه‌ها، ناهماهنگی‌ها و کارشکنی‌هایی که در سخت‌ترین و پیچیده‌ترین برهه انقلاب وجود داشت، نقش شورای انقلاب را در تحولات قریب دو ساله ایران، می‌توان مثبت، سازنده، پربار و تأثیرگذار دانست.

منابع

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۹۲) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- اساسنامه شورای انقلاب
- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۴) *دولت موقت*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بازرگان، عبدالعلی. (۱۳۶۱) *مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس مهدی بازرگان*، تهران: نهضت آزادی.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۰) *شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان*، تهران: نهضت آزادی.
- برزین، سعید. (۱۳۷۴) *زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان*، تهران: نشر مرکز.
- بهشتی، محمد. (۱۳۵۹) *عملکرد یک‌ساله حزب جمهوری اسلامی*، تهران: انتشارات حزب جمهوری اسلامی.
- حریم‌امام. (۱۳۹۳) «هفته‌نامه آستان مقدس امام خمینی»، تهران: حرم امام خمینی، سال سوم، شماره ۱۵۴.
- خمینی سیدروح‌الله. (۱۳۷۸) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- رضوی، مسعود. (۱۳۷۶) *هاشمی و انقلاب*، تهران: انتشارات همشهری.
- روزنامه *اطلاعات*، شمارگان متعدد.
- روزنامه *کیهان*، شمارگان متعدد.
- سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی و سایت‌های معتبر دیگر
- سائلی کرده ده، مجید. (۱۳۸۴) *شورای انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سحابی، عزت‌اله. (۱۳۷۷) «گفتگو با مهندس عزت‌اله سحابی، در شورای انقلاب چه گذشت»، *مجله ایران فردا*، شماره ۵۱، بهمن و اسفند.
- صورت مذاکرات شورای انقلاب و مقدمه صورت مذاکرات به قلم اکبر هاشمی رفسنجانی
- فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۷۳) *زویای تاریک*، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
- قاسم پور، داود. (۱۳۸۵) *دهه سرنوشت ساز*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۶۱) *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم: انتشارات اسلامی، جلد دوم.

- مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت. (۱۳۹۲) تاریخ انقلاب اسلامی ۱ دولت موقت از تشکیل تا استعفا، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت.
- ----- (۱۳۹۲) تاریخ انقلاب اسلامی ۲ قانون اساسی از پیش نویس تا بازنگری، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت.
- ----- (۱۳۹۲) تاریخ انقلاب اسلامی ۳ بنی صدر از انتخابات تا سقوط، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت.
- نجاتی، غلامرضا. (۱۳۹۰) تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران: نشر رسا، چاپ نهم.
- نظری، مرتضی. (۱۳۷۸) خاطرات ماندگار از زندگی آیت الله دکتر بهشتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاشمی رفسجانی، اکبر. (۱۳۷۶) دوران مبارزه، زیر نظر محسن هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، جلد اول.
- ----- (۱۳۷۵) «خاطرات هاشمی، پرتوی از ناگفته‌های انقلاب»، ضمیمه روزنامه اطلاعات، بهمن.
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۷۷) آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، تهران: نشر قلم.
- ----- (۱۳۷۸) «گفتگو با دکتر ابراهیم یزدی، پشت صحنه انقلاب در پاریس»، مجله ایران فردا، شماره ۵۲، فروردین.